

گفت و شنودی با خانم دکتر بیانی بانوی سکه شناس ایرانی

حرفهای شنیدنی از موزه سکه



از آنجایی که قرار بود دستگا، باستانشناسی در ایران ایجاد شود من نیز همچنانکه در دانشکده هنرهای زیبای پاریس بفرار گرفتن فن نقاشی، زیبایی شناسی و تاریخ تمدن مشغول بودم در دانشکده لوور پاریس نیز به یادگیری مسایل مربوط به باستانشناسی شرقی پرداختم. اینکار مدت چهار سال و نیم بطول انجامید وزمانی که من به ایران بازگشتم و از من دعوت شد تا در موزه ایران باستان بکار بپردازم باکمال میل کار خودم را آغاز کردم.

پس از مدتی مطالعه و بررسی به این نتیجه رسیدم که بهتر است قسمت سکه ها و مهرها را اداره و تنظیم کنم. لذا بسمت موزه دار این قسمت از سال ۱۳۱۷ کارم را شروع کردم.

مبپرسم: وضع سکه ها در آن زمان چگونه بود؟

و جواب می شنوم که: « در آن زمان از نظر هنری و فرهنگی چندان توجه فوق العاده ای به سکه و مهر نمیشد. اگر افرادی سکه داشتند بعنوان پشتوانه ای از نقره و طلا در گوشه ای پنهان می کردند و دردهات و ایلات و عشایر بعنوان وسایل تربینی برای زنها و بچه ها بکار میرفت که هنوز هم در پاره ای از نقاط ایران رواج دارد.

۱- پرفسور هر تسفلد نخستین کسی بود که به امر اعلیحضرت رضاشاه کبیر به امر خازنهای تخت جمشید پرداخت.

هم شاگرد میرزاهادی خان تجویدی که از هنرمندان بنام بود، بودم.

اما در حقیقت انگیزه دلستگی عمیق من به فرهنگ و هنر دیرپای این سرزمین و قبول خدمتگزاری سالهای دراز در این راه مربوط به حادثه ای است که در چهارده سالگی زندگیم رخ داد. خوب بخاطر دارم که در آن زمان بهمه راهی پدر و مادرو خواهر کوچکم به تخت جمشید رفتیم. دید آن آثار چنان شور و حالی در من بوجود آورد که بی اختیار شروع به گریستن کردم. مرحوم پرفسور هر تسفلد که در آنجا بود از آن حال من دچار حیرت شد، ولی من ساعتها با آن حال و احساس به تماشای گوشه به گوشه تخت جمشید مشغول بودم. در موقع مراجعت در سر راه خود یک قطعه شن مدور را برداشتم و از مسئولان حفاری اجازه خواستم که آن قطعه شن مدور را با خود بیادگار ببرم تا هر بار که آنرا می بینم آن شور و نشاط که برای اولین بار از دیدن آن بارگاه بزرگ در من ایجاد شده بخاطر من آید اما موافقت نکردند و گفتند ما نوع دیگری از آنرا برایتان خواهیم فرستاد. بخاطر دارم که بوسیله مسیو بولد فرانسوی که پایه دستگا باستانشناسی ایران بوسیله او ایجاد شد همان یک قطعه سنگ راکه با خط میخی نام کورش بزرگ روی آن نقش شده بود برایم فرستادند که در شور- آفرینی من بسیار پراثر بود.

بعد که برای تحصیل به فرانسه رفتم

« من از کودکی در خانواده ای که به فرهنگ و هنر ایران بسیار پای بند و علاقمند بودند تربیت شدم و از بیچگی با هنر و حماسه های ملی ایران و فرهنگ فوق العاده غنی خودمان آشنایی پیدا کردم.»

این چند جمله نخستین مطالبی است که خانم دکتر ملک زاده بیانی در جواب پرسش من در این مورد که: « چرا به سکه و مهر و جمع آوری آن علاقمند شدید؟ » میگوید:

دنباله این گفتگوی دوساعته با بانوی فرهنگ دوستی که صمیمانه در راه فرهنگ و هنر سرزمین خویش کوشش دارد در پی می آید که نمایانگر گوشه هایی از زندگی خانم دکتر ملک زاده، خدمات هنری و فرهنگی او، مطالبی در مورد سکه و نیز موزه جدید سکه در بانک سپه است.

خانم دکتر بیانی درباره علت اشتیاق خود به جمع آوری مهر و سکه اضافه می کند: « پدر و مادر من که خود دارای ذوق و شناخت هنری بودند از ده سالگی احساس کردند که در من ذوق هنری وجود دارد و همین شناخت باعث شد که مرا به کار نقاشی که از هنرهای اصیل ایرانی است بخصوص ساختن مینیاتور وادارند.

نخستین راهنمای من برای شناسایی روح هنری ایران مینیاتورهای دوره تیموری و صفوی بود که سبک مغولی داشت و میدانیم که بعدها توسط روانشاد استاد بهزاد سبک ایرانی جای آنرا گرفت. مدتی



راست بالا : سکه شاپور اول ساسانی

راست پایین : دو نمونه سکه از مهرداد اول

چپ بالا : يك در يك طلا - خشایارشا

چپ پایین : سکه با نقش تیرداد اول

با تشکیل موزه ایران باستان و آشنایی مردم، کم‌کم ذوق جمع‌آوری سکه و ایجاد مجموعه در مردم پیدا شد و آنهایی هم که در خانه‌ها و صندوقخانه‌های خود سکه‌هایی داشتند متوجه شدند که همان پشتوانه‌های سیم وزر حکایت از چه دورانها میکنند و بچه تاریخ و تمدنی مربوط میشوند. «
وقتی در مورد نحوه گردآوری سکه و تکمیل موزه سؤال می‌کنم خانم دکتر بیانی که میکوشد خاطرات سالهای دور را یکجا در ذهن بیاورد می‌گوید:

« میدانید که مسأله توجه به فرهنگ و هنر نیز بطور جدی و اساسی از زمان سرودمان پهلوی اعلیحضرت رضاشاه کبیر آغاز شد. نخستین مسأله‌ای که ما را در اینکار بسیار یاری می‌کرد حفاریهای متعددی بود که در نقاط مختلف مملکت صورت می‌گرفت. مثلاً در شوش که نزدیک به یک قرن است که در آن حفاری صورت می‌گیرد بسیاری از سکه‌های جالب و نادر هخامنشی، ساسانی و اشکانی بدست آمده. گاه نیز بطور اتفاقی بسکه‌ها دست یافتیم مثلاً بر اثر راهسازی و ناگهانی گنجینه‌ای از سکه‌های یونانی ایرانی در سالهای ۱۳۱۸-۱۳۱۹ در ملایر بدست آمد. قسمتی از سکه‌ها نیز از راه خریداری از مردمی که علاقه داشتند گردآورده‌های آنان در جای بنام موزه ضبط و حفظ شود فراهم گردیده است.

از خانم دکتر بیانی که خود مؤلف کتاب (تاریخ سکه از قدیمترین ازمینه تا دوره اشکانیان) میباشد در مورد سابقه سکه و قدیمترین سکه‌ها می‌پرسم، می‌گوید:
« قدرت و اعتبار سکه در دوره هخامنشی بقدری بود که چه در آن موقع و چه در زمان سقوط آن حکومت به هر مزبور خارجی در ماه یک در یک طلا داده میشد. سکه‌های ما در آن زمان حتی در خارج از مرز نیز اعتبار داشت و در تمام دنیای یونانی آن سکه‌ها را قبول داشتند و تجار با آن معامله میکردند. در دوره اشکانی درهم‌ها (سکه‌های سیمین) در

سرزمین روم نیز مورد قبول بود و با آنها دادوستد میشد. «

صحبت را به موزه جدید می‌کشانم و چون می‌دانم در مورد سکه و مهر گفتنی بسیار است و با گرفتن قول دیدار بعدی با خانم دکتر بیانی و صحبت در مورد مهرهای این سرزمین می‌پرسم: «خانم از موزه سکه بانك سپه چه خبر؟»

جواب میدهد: «از نزدیک بدهسال پیش قرار بر این گرفت که در بانك سپه موزه سکه تشکیل شود. از آن زمان من به کار در این زمینه پرداختم. خوشبختانه موزه جدید از سکه‌های بسیار بسیار عالی و حتی کم‌نظیر تشکیل شده، اما نکته‌ای در اینجا هست که باید یادآور شوم و آن اینکه از ابتدای امر ما به این مسأله توجه داشتیم که در تشکیل موزه بانك سپه در عوض رو آوردن به تعداد زیاد سکه به جمع‌آوری سکه‌های نادر و شاخص و جالب و استثنایی بپردازیم. به این مناسبت بیشتر سکه‌های این موزه از هر حیث جالب، کامل و استثنایی است و بصراحت می‌توانم بگویم که از لحاظ سکه‌های ایران جامع‌ترین و کاملترین موزه‌هاست.

ردیف سکه‌های این موزه از قدیم‌ترین ایام (از زمان لیدی‌ها) و سکه‌های سلسله‌های ایرانی از زمان هخامنشیان تا بامروز قرار دارد.

در میان پاره‌ای از این سکه‌ها بویژه دو دریکی‌های هخامنشی و چند سکه سائرابی و تعداد زیادی از سکه‌های اشکانی و ساسانی وجود دارد که از هر حیث کامل و جالب است و گویای این مطلب است که بدون تردید بدست هنرمندان حکاک و چیره‌دستی تهیه شده‌اند.

بعضی از این سکه‌ها بسان جالب‌ترین مدالهایی هستند که با ظرافت و دقت فراوان بر روی آنها حکاکی شده است.

از اسپهبدان طبرستان چندین سکه داریم که از لحاظ شناخت ایران بسیار اهمیت دارند. تحقیق و بررسی در مورد سکه‌های عرب و ساسانی میرساند که چقدر

فرهنگ ایران زمین غنی بوده که با وجود آنکه امپراتوری اسلامی نضج گرفته بود، معهذاً سکه‌ها به ترتیب ساسانی با نقش خسرو دوم - یا یزدگرد سوم آخرین شاهنشاه ساسانی قرار داشت و نام امرای عرب به خط پهلوی در کنار سکه حک شده بود. تنها اثری که نشانه این دوره میباشد بسم الله الرحمن الرحیم است که در دورسکه قرار دارد.

از نخستین حکام و فرمانروایان دوران اسلامی نیز بطور کامل سکه در دست داریم که ضرب شهرهای مختلف ایران است. در سکه‌های موجود ساسانی آن چیزی که بسیار جالب توجه است این است که علاوه بر تصویر شاهان نام شهرهایی بطور اختصار بر این سکه‌ها قرار دارد. اطلاعاتی که از جغرافیایی تاریخی این دوره‌ها می‌توانیم بدست بیاوریم بسیار مهم است. نکته مهمتر اینکه ما از روی سکه‌های بیجامانده از ادوار مختلف توانسته‌ایم به وضع ظاهری، آرایش لباس، تزیینات و تاج‌های شاهان پی ببریم که در این زمینه نیز کتابی بسا همکاری آقای دکتر رضوانی بانام «سیمای شاهان و نام‌آوران ایران باستان» تألیف کرده‌ام.

پشت سکه هرمز دوم





بالا راست : فرهاد چهارم اشکانی (۳۸ - ۳ م. ب)
 بالا چپ : سکه فرهاد پنجم شاهنشاه اشکانی (۳ - م. ب تا ۴ میلادی)
 پائین راست : سکه ملکه موزا زن فرهاد چهارم شاهنشاه اشکانی و مادر
 فرهاد پنجم (فرهادك) ، (۳ م. ب تا ۴ میلادی)
 پائین چپ : سکه سبیرین بهرام دوم با ملکه ۲۷۶ - ۲۹۲ میلادی



سکه سیمین هرمز دوم ساسانی (۴۰۴ - ۴۱۰ میلادی)



پشت سکه فرهاد چهارم

م انسانی و مطالعات فرهنگی
 با مع علوم انسانی

توضیح : هشت تصویر از تصاویر این شماره که مربوط به سکه
 میباشد اشتهاً در شماره ۱۳۳ چاپ شده است که بنام ضرورت مقاله مجدداً
 در این شماره چاپ گردیده است .



سکه سیمین بهرام دوم ساسانی با ولیعهد (۴۷۶ - ۴۹۳ میلادی)